

تحلیلی بر ناکارآمدی نظام مدیریت بحران در دگرگونی فضایی مناسب نواحی روستایی

مورد مطالعه: شهرستان ارومیه

خدیجه کریمی^۱، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

وحید ریاحی، دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

فرهاد عزیزپور، استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

علی اکبر تقی لو، دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵

چکیده

سکونتگاههای روستایی به مثابه نظام های مکانی- فضایی در معرض پویایی ودگرگونی مداوم قرار دارند. آشکار است که در این تحولات، مجموعه عوامل و نیروهای متفاوت و متنوعی نقش آفرین هستند اما بیشتر این عوامل به نوعی متاثر از نظام مدیریتی است که در فضاهای روستایی نقش آفرینی می کند. این نظام، با توجه به الگوهای مختلف، دارای اثر گذاری متفاوتی بر نظام های فضایی است. براین اساس، تحقیق حاضر به دنبال بررسی دگرگونی فضایی سکونتگاههای روستایی شهرستان ارومیه مبتنی بر نقش مدیریت بحران است. قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه، شهرستان ارومیه است که در غرب دریاچه ارومیه قرار دارد. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس روش، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه، ۷۰ نفر از خبرگان دستگاههای مرتبط با مدیریت بحران شهرستان ارومیه می باشند که با روش تعیین حجم نمونه با جامعه نامعلوم با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. برای جمع آوری دادهها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی، از فن پرسشگری و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل دادهها از آزمون های کلموگروف اسمیرنوف، دوربین واتسون، رگرسیون، تحلیل مسیر و همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS بهره گیری شده است. مبتنی بر یافته های پژوهش، این نتیجه حاصل شده است که روستاهای تحت تاثیر اقدام نظام مدیریت بحران در مواجهه با مخاطره خشکیدن دریاچه ارومیه با دگرگونی های نامناسبی در ابعاد زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی روبرو شدند. این دگرگونیها، متاثر از سازوکار نظامی است که در آن بعلت دولتی بودن، تمرکز گرایی و بخشی نگری؛ پاسخگویی، مشروعیت، نقش پذیری کارآمد، عدالت محوری و جهت گیری برنامه ای در آن تضعیف شده است. در این میان، ضعف مشروعیت و ضعف در نقش پذیری کارآمد از اهمیت بالاتری برخوردار هستند. با تعمق در ماهیت عوامل و روابط مستقیم و غیر مستقیم آنها این نکته کلیدی مشخص شده است که نقش پذیری ضعیف روستاییان و نگاه ابزاری به مشارکت آنها در مدیریت بحران، عامل کلیدی بروز تحولات فضایی نامناسب در روستاهای مورد مطالعه است.

واژگان کلیدی، مدیریت بحران، دگرگونی فضایی، نواحی روستایی، شهرستان ارومیه

مقدمه

ویژگی های خاص زندگی گروه های انسانی و خصوصیات معین محیطی، مجموعه ای پویا و مبتنی بر کنش متقابل به وجود می آورد که در گذر زمان تغییر می پذیرد. در واقع از تاثیر متقابل محیط طبیعی و محیط فرهنگی و از برخورد نیروهای تعیین کننده در آنها، فضای خاصی فراهم می آید که معرف یک عینیت جغرافیایی یا واقعیت مکانی - فضایی است. امروزه این مجموعه محیطی - انسانی به عنوان یک نظام مکانی - فضایی پیوسته در حال تغییر است. البته دگرگونی در عرصه های فضایی پیوسته به آرامی شکل می گیرد و به هیچ وجه سریع نیست. از آنجا که خصلت بنیادین همه نظامها، از جمله نظام فضایی؛ پیوستگی درونی اجزای مختلف آنهاست، بین ساختارهای مختلف و کارکردهای گوناگون هر نظام، نوعی هم پیوندی و هم‌نواپی برقرار است. در واقع، همین هم‌نواپی است که نوعی پویای درونی در سرتاسر نظام برقرار می کند که تا کوچکترین اجزای آن را همچون شبکه ای از اتصالات، به یکدیگر مرتبط می سازد. بدین ترتیب، هر جزء ساختاری، جزء کارکردی خود و روابط حاکم بر آن را امکان پذیر یا پایدار می سازد. به عنوان مثال تغییر در شیب زمین و یا پوشش گیاهی در ساختار محیطی - اکولوژیک، کارکردهایی را بر مجموعه کارکردهای محیطی - اکولوژیک تحمیل می کند؛ مثلاً از بین رفتن پوشش گیاهی (تغییر در ساختار)، فرسایش (کارکرد) را تسهیل می کند؛ حال اگر از بین رفتن این پوشش با تغییر در شیب همراه گردد (تغییر بیشتر در ساختار محیطی)، مسلماً (کارکرد) شسته شدگی و از بین رفتن خاک را تشدید خواهد کرد. باز از آنجا که دگرگونی یک جزء ساختاری بر سایر اجزای ساختاری هم اثر گذارد (انتقال سیستمی تغییرات)، دیگر کارکردها نیز تحت تاثیر قرار گرفته، مثلاً امکان بهره برداری اقتصادی از خاک و حفاظت از ساختارهای محیطی اکولوژیک، اصلاح ساختارهای حقوقی و وضع قوانین و مقررات ضروری خواهد بود. هر چند اصلاح ساختار حقوقی به نوبه خود، مستلزم اصلاح ساختار فرهنگی و تغییر در رفتارها مطرح خواهد شد و تا آخر ادامه می یابد (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۵).

در این چارچوب، تحولات فضایی (ساختاری - کارکردی) سکونتگاههای انسانی می تواند متاثر از عوامل و نیروهای درونی آنها ویا متاثر از عوامل و نیروهای بیرونی در چارچوب کنش متقابل سیستم ها با محیط خود اتفاق افتد. در میان مجموعه عوامل و نیروهای بیرونی، نظام مدیریت با اهمیت است. این نظام، با توجه به الگوهای مختلف، دارای اثر گذاری متفاوتی بر نظام های فضایی است. الگوی متمرکز و مداخله گرا، الگوی هدایت کننده حمایت گرا و الگوی مشارکتی تسهیل گر هر کدام زمینه های تحولی خاصی را بدنبال دارند. این نظام با تصمیم سازیها و تصمیم گیریها در قالب قوانین، آیین نامه ها، راهبردها و ... با تغییر در ساختارها و یا کارکردها بستر تحولی را هم از درون و هم از بیرونی فراهم می نماید که می توان زمینه تحول مثبت و یا منفی را بدنبال داشته باشد.

وقوع مخاطرات طبیعی و انسانی و پیامدهای ناشی از آن ها در جهان وبه ویژه بر روی مناطق روستایی، حذف شدنی نیست و همیشه احتمال آن وجود دارد (۲: ۲۰۰۵، Ghafory). از اینرو، جوامع انسانی، همواره بدنبال پیشگیری و کنترل و عبارت دیگر مدیریت آن هستند. پور طاهری وهمکاران (۱۳۹۰) عقیده دارند وقوع مخاطرات همیشه امکان پذیر است و فقط از طریق برنامه ریزی صحیح و استفاده از شیوه ها و ابعاد جدید مدیریتی می توان از پیامدهای گوناگون و آسیب ها و خسارت های ناشی از آنها کاست. در این ارتباط، نظام مدیریت بحران کارآمد از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است.

این مدیریت باید مجموعه فعالیت های پیوسته و مداوم و منسجم باشد تا با بهره گیری از علوم، تکنولوژی و برنامه ریزی برای پیشگیری آثار بحران راکاهش داده، آمادگی لازم برای مقابله را فراهم نماید (تسلیمی، ۱۳۸۴: ۱۵؛ و درابک و جی هواتمر، ۱۳۸۳: ۲). همچنین، دبیرخانه راهبرد بین الملل، «مدیریت بحران را روند نظام مند به کارگیری تصمیمات مدیریتی، سازماندهی، تقویت مهارتهای عملیاتی و ظرفیت سازی به منظور تدبیر سیاست ها، اتخاذ راهبردها و ایجاد سازگاری در جوامع به منظور کاهش پیامدهای زیان بار ناشی از مخاطرات طبیعی و بلایای مرتبط با عوامل زیست محیطی و تکنولوژیک را گویند. با این تعریف، مدیریت بحران شامل کلیه اشکال فعالیت و اقدامات سازه ای و غیر سازه ای است که به منظور پیشگیری، اجتناب و یا محدود کردن اثرات زیان بار ناشی از مخاطرات انجام می گیرد و نیز اقدامات مربوط به کسب آمادگی را شامل می شود» (علمداری، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۲۸).

تکرار حوادث غیر مترقبه طبیعی و میزان اثرگذاری بسیار زیاد آنها بر سکونتگاه های انسانی به طور عام و سکونتگاههای روستایی به طور خاص از یک سو و ضرورت استفاده صحیح و بهینه از منابع و سرمایه های محدود، شیوه های نوینی از مداخله مدیریتی را طلب می کند که ضمن ارائه الگوی مناسب مدیریتی در زمینه مقابله با بحرانها زمینه و بستر لازم جهت دستیابی به رشد و توسعه درخور و پایدار را فراهم نموده و همسو با آن از ایجاد بحرانهای عملکردی جلوگیری به عمل آورد (بدری، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

پیشگیری، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی (بعنوان مراحل چهارگانه مدیریت بحران) برای مواجهه با مخاطرات محیطی از اهمیت خاص برخوردار است. در غالب کشورهای دنیا از جمله ایران برای مواجهه با بحران های محیطی نظیر زلزله، سیل، حرکات دامنه ای، خشکیدن یا آلودگی اکوسیستم ها و ... ساختار سازمانی مشخص با عنوان سازمان مدیریت بحران وجود دارد که وظایف مهمی در قبل، حین و بعد از بحران بر عهده آن می باشد. این سازمان با همکاری دستگاههای دولتی، غیر دولتی و عمومی با مشاهده پیش نشانگرها و تجزیه و تحلیل آنها و منابع اطلاعاتی در دسترس تلاش می نماید بصورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای موجود از بحرانها پیشگیری نموده یا در صورت بروز آنها با آمادگی لازم در جهت کاهش خسارات جانی و مالی به مقابله سریع پرداخته تا شرایط به وضعیت عادی باز گردد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۱). از جمله بحران هایی که در سال های اخیر این نظام با آن روبرو شده است، بحران خشکیدن دریاچه ارومیه است. به طور طبیعی مهم ترین عاملی که روی تراز آب دریاچه تاثیر می گذارد، عامل اقلیمی است. اما تغییر در کاربری اراضی و عوامل دیگر که ساخته دست انسان ها می باشد، باعث می گردد تغییرات غیر طبیعی در این خصوص ایجاد گردد (Nasaji, 2010: 2). بیش از ۳۶ شهر و ۳۱۵۰ روستا با جمعیتی در حدود ۵ میلیون نفر در حوضه آب ریز دریاچه ارومیه قرار دارد (زینالی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۴). بحران دریاچه ارومیه، فضاهای پیرامونی دریاچه اعم از چشم اندازهای طبیعی و فرهنگی را تحت تاثیر قرار داده است. شور شدن اراضی مرتعی و تغییر گونه های گیاهی، تغییر در حیات جانوری، بیابانزایی، شور شدن اراضی زراعی و باغی بعنوان مهمترین منابع درآمدی روستاییان از جمله تحولات در چشم اندازها است. این تحولات، پیامدهایی را چون کاهش راندمان تولید، کاهش درآمد، افزایش بیکاری، افزایش نرخ مهاجرفرستی، حاشیه نشینی، افزایش بزهکاری های اجتماعی، افزایش بیماریهای تنفسی، پوستی و سرطانی و ... را برای فضاهای شهری و روستایی (در سطوح مختلف فضایی محلی، ناحیه ای و منطقه ای و حتی ملی) بدنبال داشته و خواهد داشت. اقدامات

مختلفی برای احیای دریاچه و کاهش پیامدهای آن توسط مدیریت بحران^۱ انجام گرفته است. این اقدامات، دگرگونی هایی را سبب شده است. این دگرگونی متاثر از نحوه مدیریت بحران در مراحل پیشگیری، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی است. عبارت دیگر، نظام مدیریت بحران با انجام برخی اقدامات نه تنها زمینه کاهش اثرات بحران را فراهم نکرده است. بلکه زمینه بروز دگرگونی های جدید و تشدید دگرگونیهای بوجود آمده را سبب شده است. مساله ای که این پژوهش دنبال یافتن پاسخ برای آن است. از این رو، تحقیق حاضر، با هدف تبیین دگرگونی های فضایی نواحی روستایی متاثر از نقش پذیری نظام مدیریت بحران، سوال زیر را مطرح نموده است:

- نظام مدیریت بحران متاثر از چه سازوکاری (عوامل و رویدادها) نتوانسته زمینه دگردیسی فضایی مناسب نواحی روستایی (در معرض مخاطرات) را فراهم نماید؟

در ارتباط با این سوال، پژوهش هایی با محوریت رویکرد حکمروایی انجام گرفته است. جاسیم وهمکاران (Joachim et al, ۲۰۰۶) مدیریت بحران را از جنبه حکمروایی مورد بررسی قرار داده اند و ضعف نهادی را از عوامل ریشه ای توسعه نیافتگی و مستعد ایجاد بحرانها شناسایی می کنند که روابط همبسته ای با هم دارند. ساختارهای حکمروایی کشورها نه تنها اجرای سیاستها را ممکن می سازد بلکه به تقویت سیاستهای عمومی در رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر می شود که در نهایت به توسعه پایدار می انجامد و قرار گرفتن در معرض بحرانها را کاهش می دهد. پاسخ گویی، مشارکت، پیش بینی و شفافیت به عنوان اصول مهم ساختار حکمروایی مشخص شده اند که توسعه را تسریع بخشیده و از کاهش خطر پذیری حمایت می کنند. ونتون (Venton, ۲۰۰۸) با بیان اینکه بحران ها دارای اثر محلی هستند و رویکردهای مدیریت بحران باید مبتنی بر این سطح باشد به بررسی مدیریت بحران اجتماع محور و توسعه پایدار پرداخته است با توجه به اهداف سه گانه بررسی ارتباط بین ارزیابی احتمال خطر پذیری و مدیریت بحران اجتماع محور، معرفی مسائل کلیدی با نشان دادن عوامل اساسی آسیب پذیری در درون مدیریت بحران اجتماع محورو معرفی چالش های موجود در توسعه پایدار و مدیریت بحران اجتماع محور از طریق مشارکت ذی نفعان به بررسی مدیریت بحران اجتماع محور پرداخته است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که این مدیریت با مشخص کردن عوامل اساسی آسیب پذیری و مشارکت ذی نفعان به کاهش بحران ها منجر می شود. اوستی (Osti, ۲۰۱۱)، فصل اول کتاب خود (اشکال و شیوه های مدیریت احتمال خطر پذیری ناشی از بحران) را به معرفی مدیریت بحران اجتماع محور اختصاص داده اند و این رویکرد را به عنوان رویکردی پایین به بالا و متکی بر مشارکت مردمی تعریف می کند که در کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله فیلیپین، بنگلادش، هندوستان و میانمار مورد استفاده قرار می گیرد. این رویکرد با ناکارآمدی شمردن رویکردهای سنتی در توانمند ساختن اجتماعات محلی از

۱- با توجه به اهمیت بحران خشکیدن دریاچه و اثرات آن، با تشکیل دولت یازدهم، برای مدیریت بحران، ستاد احیای دریاچه ارومیه در سال ۱۳۹۲ با دستور ریاست جمهوری وقت با اختیارات اصل ۱۳۸ به ریاست معاون اول رئیس جمهور تشکیل شد پس از تشکیل، با ایجاد یک کمیته راهبری متشکل از متخصصان و صاحب نظران ملی و منطقه ای و نمایندگان دستگاه های تصمیم گیر، به طراحی و ایجاد ساختار سازمانی بدنه اجرایی ستاد پرداخت. شرح وظایف بخش های مختلف ستاد احیا و گام های اجرایی نحوه مدیریت احیای دریاچه ارومیه، در کمیته مذکور ترسیم و تصویب گردید. در ساختار مذکور مقرر گردید تا دانشگاه صنعتی شریف تحت عنوان دفتر برنامه ریزی و تلفیق به جمع بندی مطالعات، جامع نگری و ایجاد اتفاق نظر علمی با حضور کلیه صاحب نظران ملی و منطقه ای بپردازد. محور قرار گرفتن صاحب نظران منطقه ای، مشارکت ذی نفعان و ذی مدخلان منطقه ای و استفاده از کلیه ظرفیت های مطالعاتی ملی و بین المللی به طور گسترده در ساختار و برنامه های اجرایی ستاد احیای دریاچه ارومیه پیش بینی شده است (ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۳۹۳). این ستاد از جنبه مدیریت وظایف سازمان مدیریت بحران را بر عهده دارد.

سال ۲۰۰۰ با کمک سازمانهای بین المللی غیر دولتی برای مقابله با بحران های ناشی از تغییرات اقلیمی در کشور ویتنام مورد استفاده قرار می گیرد تا با ظرفیت سازی در مردم برای مقابله با مخاطرات به کاهش بحران منجر شود. تولگهان و هوسین (Tolgahan and Huseyin, ۲۰۱۶) موانع حکمروایی را در مدیریت بحران های طبیعی در کشور ترکیه بررسی کردند از نظر این محققان ضعف جامعه مدنی ورشد ناکافی حکمروایی محلی در ترکیه از موانع اصلی حکمروایی در مدیریت بحران های طبیعی است.

با توجه به بررسی در ادبیات موضوع، برای تبیین نقش پذیری نظام مدیریت بحران، دو پارادایم سنتی و جدید وجود دارد (cuny, ۱۹۹۸). در بررسی مدیریت بحران، یافته های اخیر در اغلب کشورها نشان می دهد که مدیریت بحران در تغییر پارادایمی از تمرکز بر مقابله و بازسازی (در پارادایم سنتی) به سمت اصل کاهش اثر است. تغییری که، شامل یک نقش مناسب برای مشارکت عمومی (پارادایم جدید) است. در اینجا به بیان ویژگیهای این دو پارادایم می پردازیم:

در پارادایم اول؛ هیچ جایگاهی برای اثر بخش ترین گروه های موجود در چرخه مدیریت بحران، یعنی اجتماعات محلی در نظر گرفته نشده است. در این پارادایم، برنامه ریزی، خط مشی گذاری، هماهنگی، کنترل وسازماندهی دولتی صورت می پذیرد و چنانچه نقشی برای اجتماعات محلی در نظر گرفته شود، نقش انفعالی وحاشیه ای خواهد بود (Marsh et al, ۱۹۹۹).

۳

در پارادایم نوین؛ یا اجتماع محور، علاوه بر شناسایی خطرهای تهدید کننده توسط ساکنان اجتماعات محلی، خطرهای تهدید کننده توسط ساکنان اجتماعات محلی، تلاش می شود تا افراد و گروه های فعال و تاثیرگذار جوامع به فعالیت و ایفای نقش در تمامی مراحل چرخه مدیریت بحران فراخوانده شوند و شرایط لازم به منظور افزایش ظرفیت های افراد و گروه های محلی برای مواجهه با بحران فراهم آید (Falk, ۲۰۳: ۲۱). در واقع، هدف اصلی این رویکرد، درگیر کردن نیروهای بومی و محلی در فرایندهای برنامه ریزی، سیاستگذاری، هماهنگی، کنترل وسازماندهی مدیریت بحران با هدایت دولت است. موفقیت در دستیابی به اهداف ذکر شده، به کاهش پیامدها و خسارات ناشی از وقوع بلایای طبیعی منجر خواهد شد (Fischer, ۲۰۰۱: ۴۰).

در پارادایم جدید (اجتماع محور) رویکردهایی وجود دارد که در این میان، رویکرد حکمروایی خوب از قدرت تبیینی بهتری نسبت با سایر رویکردها برخوردار است.

حکمروایی که به اداره وتنظیم امور اشاره می کند و به رابطه میان شهروندان وحکومت کنندگان اطلاق می شود. در واقع این اصطلاح «رابطه» ونه «دستگاه» را توصیف می کند (Astleithner&Hamedinger, ۲۰۰۳). بنابراین، در رابطه با علل اساسی آسیب پذیری، بحران ها می تواند به عنوان مسائل مرتبط با حکمروایی به نظر آیند (government of India, ۲۰۰۲; ADPC, ۲۰۰۶ ISDR, ۲۰۰۵). بن ویزنر و پیتر واکر عقیده دارند، "حکمروایی خوب و کارآمد منجر به حق زندگی با عزت، اساس کاهش اثر کلیه بحرانها می شود (Wisner et al, ۲۰۰۵)^۱ وآنشو شارما - از SEEDS - هند معتقد است، "مشارکت از

^۱. A point made by the civil society representatives at the WCDR (Kobe, Japan, ۱۸ - ۲۲ January ۲۰۰۵) from the perspective that this acknowledgement was lacking in the draft HFA

- طریق حکمروایی خوب اولین قدم به سوی جریان کاهش ریسک بلایا است. در واقع "استراتژی یوکوهاما" (IDNDR, ۱۹۹۴) مسائل مربوط به حکمروایی را به عنوان یک نگاه ویژه در کاهش موثر ریسک معرفی کرده است.
- حکمروایی خوب مبتنی بر نگرشهای مطرح شده از چارچوبی بر خوردار است، که در آن بر ارزشهای زیر تاکید می شود:
- از لحاظ تاریخی مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه ای، محلی) مجموعه ای از بازیگران رسمی و غیر رسمی را که بر جریان تصمیم گیری تاثیر گذار هستند را در بر می گیرد؛
 - حکمرانی، تاکیدش بر روی درگیری غیر متمرکز شهروندان بوده و خواستار شیوه دموکراتیک و انعطاف پذیر تر برای مواجهه با مشکلات عمومی است (Fischer, ۲۰۰۶: ۱۹-۲۰).
 - در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است، لذا ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یاد شده، زمینه تحقق حکمرانی خوب را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اداری فراهم می سازد (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲: ۹۵).
 - حکمرانی را می توان " نفوذ هدایت شده در فرایندهای اجتماعی " تعریف کرد که مکانیسم های مختلفی در آن درگیر هستند، برخی از این مکانیسم ها بسیار پیچیده اند و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی گیرند.
- در این رویکرد، در چارچوب ارزشهای مورد تاکیدش بر اصولی تاکید دارد که برای موفقیت نظام مدیریت (اعم از نظام سیاسی، فضای و ...) بایستی مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه نگرشهای مختلفی وجود دارد. این نگرشها به شرح زیر است:
- نگرش هاتر و شاه؛ آنها شاخص هایی مانند مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را برای حکمرانی خوب معرفی نموده اند که برای هر جامعه ای به هر میزان در دستیابی به ویژگی های معرفی شده موفقیت حاصل شود، به حکمرانی خوب نزدیک می شود (Huther et al, ۲۰۰۰: ۴).
 - سازمان ملل و بانک جهانی؛ آنها برای حکمروایی مولفه های ۸ گانه ای را در نظر گرفته اند. این مولفه ها؛ مشارکت، حاکمیت، قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، اجماع سازی، عدالت و انصاف، پاسخگویی، کارایی و اثر بخشی هستند (UN SCAPE, ۲۰۰۰).
 - نگرش راجرز؛ او عقیده دارد، حکمروایی خوب دارای اصول اساسی چون پاسخگو بودن، عدالت محور، ایفا کننده نقش، دارای مشروعیت و جهت گیری است که برای افزایش مشارکت شهروندان، ارائه خدمات عمومی مناسب و به موقع و ایجاد احساس تعلق در شهروندان ضروری است (جدول شماره ۱ (افتخاری، ۱۳۸۶).

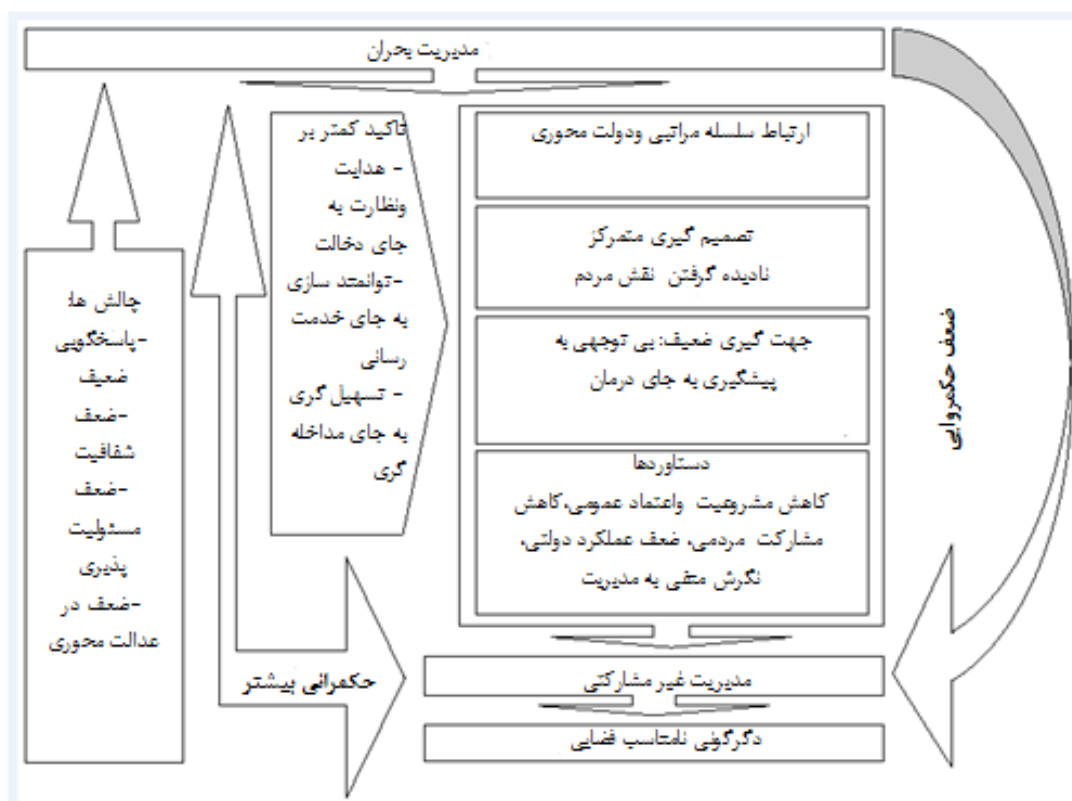
جدول شماره ۱: اصول، معیارها و شاخص های حکمروایی خوب

دیدگاه محققان ^۱	حکمروایی خوب و مدیریت مشارکتی	حکمروایی خوب	ابعاد اصول
(Srinivas: ۱۹۹۶:۱) (Unchs:۲۰۰۰:۱) (Barker, ۲۰۱۰)	- آزادی دیدگاه ها بدون تبعیض - گفتمان فعال - اقدام به مقررات	- مشارکت - اجماع	مشروعیت
John Graham et al) (۲۰۰۳:۴) (Kaufmann et al, ۲۰۰۷) (Unchs:۲۰۰۰:۱) (Barker, ۲۰۰۰) (Joachim et al, ۲۰۰۶: ۲۱۳)	- دانش مناسب وبکیفیت در مورد تصمیم گیری وپاسخگویی - پاسخگویی به شکل های گوناگون زبانی وغیر زبانی برای اصلاح وتشویق	- پاسخگویی - شفافیت	پاسخگویی
(Unchs:۲۰۰۰:۱) (Barker, ۲۰۰۰)	- سازگاری با مدیریت اثر بخش - مدیریتی نیرومند وبهبود پذیر	- احساس - مسئولیت در خدمت - کارآیی واثر بخشی	ایفای نقش
(Unchs:۲۰۰۰:۱) (Barker, ۲۰۰۰)	- تقویت شایسته سالاری، کمال پروری وزندگی شرافتمندانه - توزیع مناسب با در نظر گرفتن هزینه ها ومنافع - به کار گیری قانون ها ومقررات سازگار	- برابری برای بهبود وحفظ خوشبختی ورفاه - تقویت انصاف به ویژه حقوق انسانی	عدالت
(Unchs:۲۰۰۰:۱)	- رهبری اثر گذار وکارا - ترکیب آداب وسنن بومی با عقاید جدید - فراهم کردن برخوردهای مناسب - سازگاری گفتار با عمل	- داشتن چشم انداز راهبردی	جهت گیری

منبع: فیروز نیا وهمکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶.

در میان این نگرشها، نگرش راجرز بعنوان نگرش منتخب در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. در این چارچوب، نظام مدیریت بحران (ستاد احیای دریاچه ارومیه) برای دگرگون سازی مناسب فضا در ناحیه ارومیه از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است. این نکته را می توان در عدم موفقیت کامل طرحهای پیشگیرانه و همچنین بی نظمی در پویا ساختاری - کارکردی ناحیه مشاهده نمود. دولت محوری و تمرکزگرایی سبب شده تا نظام مدیریتی مبتنی بر حکمروایی خوب شکل نگیرد. ضعف پاسخگویی، ضعف عدالت، ضعف مشروعیت، ضعف در ایفا کردن نقش، ضعف در جهت گیریهای مناسب عواملی هستند که نظام مدیریت بحران در تصمیم سازیها و تصمیم گیریهای خود با کم توجهی به آنها شرایطی را برای ناحیه روستایی مورد مطالعه فراهم نموده است، که ناپایداری توسعه نتیجه آن شده است (شکل شماره ۱).

۱. این ستون از جدول حاصل مطالعات نگارندگان است.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

داده ها و روش کار

• فرضیه

در پژوهش حاضر، با توجه به چارچوب نظری، در پاسخ به سوال طرح شده، این فرضیه ارائه شده است که: «ضعف در مشروعیت، پاسخگویی، نقش پذیری کارآمد، عدالت محوری و جهت گیری مشخص در سیاستگذاری و برنامه ریزی نظام مدیریت بحران، بسترساز دگرگونی فضایی نامناسب در نواحی روستایی است.»

• قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه در این پژوهش، شهرستان ارومیه است. این شهرستان با وسعت ۵۲۹۸ کیلومتر مربع، در مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی واقع شده است. حداقل و حداکثر ارتفاع این شهرستان از ۱۰۰۰ متر تا بیش از ۳۵۰۰ متر از سطح دریا متغیر است. بر اساس مطالعات ارزیابی و منابع اراضی، از کل سطح شهرستان ۴۱/۵۷ درصد اراضی کوهستانی، ۲۴/۱۶ درصد تپه‌ها و ۳۴/۲۸ درصد بقیه را اراضی دشتی و سیلابی و ... تشکیل می‌دهند. شهرستان ارومیه، بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۵ بخش، ۲۰ دهستان و ۶۳۲ روستا است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، این شهرستان دارای ۱۰۴۰۵۶۵ نفر جمعیت بود. از این تعداد جمعیت، ۷۵۰۸۰۵ نفر در شهرها و ۲۸۹۷۶۰ نفر در روستاها زندگی می‌کنند. ساختار اقتصادی روستاهای ناحیه مورد مطالعه، مبتنی بر بخش کشاورزی است. در این بخش فعالیت غالب، باغداری است. در سالهای اخیر، با گسترش شهر ارومیه این فعالیت با چالش اساسی تغییر کاربری رو برو شده است.

• روش پژوهش

این پژوهش، به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس روش، توصیفی - تبیینی است. جامعه آماری مورد مطالعه، خبرگان دستگاههای اجرایی مرتبط (از جمله جهاد کشاورزی، محیط زیست، منابع طبیعی و ...) با مدیریت بحران (ستاد احیای دریاچه ارومیه) هستند. جهت تعیین حجم نمونه با توجه به نامعلوم بودن حجم جامعه آماری، مراحل زیر طی شده است:

$$\alpha = 1 - p = 1 - 0.095 = 0.5$$

$$\frac{\alpha}{2} = 0.025$$

$$Z_{\frac{\alpha}{2}} = Z_{0.025} = 1.95$$

$$\sigma = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{6} = \frac{5 - 1}{6} = 0.66$$

$$e = \mu - \bar{x} = \frac{Z_{\alpha/2} \sigma}{\sqrt{n}} \rightarrow \sqrt{n} = \frac{Z_{\alpha/2} \sigma}{e} = \frac{1.96 * 0.66}{0.01} = 16734.01 \rightarrow n = 170$$

با توجه به اینکه در پرسشنامه پژوهش حاضر، از طیف لیکرت ۵ درجه ای استفاده شده است، بزرگ ترین مقدار ۵ و کوچک ترین مقدار ۱ خواهد بود بنابراین انحراف معیار آن برابر است و می توان از مقدار ۰,۶۶ استفاده کرد. این مقدار بیشینه انحراف معیار است (مومنی، ۱۳۸۹). همچنین سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد ۰,۰۱ در نظر گرفته شده است بنابراین حجم نمونه بر اساس مراحل فوق الذکر برابر است با ۱۷۰ که از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$n = \left[\frac{Z_{\alpha/2} \sigma}{e} \right]^2$$

در این رابطه e (دقت مورد نظر محقق) میزان خطای مورد قبول بین میانگین نمونه و میانگین جمعیت، Z (مقدار احتمال نرمال استاندارد) بر اساس فاصله اطمینان تعریف شده معین می شود، و σ (انحراف معیار) بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای تعیین شده است.

لازم به ذکر است از آنجایی که در محدوده مورد مطالعه، تعداد خبرگان در زمینه مدیریت بحران تا حد ۱۷۰ خبره وجود نداشت. از این رو، تعداد تا ۷۰ نمونه ادامه یافته است. بنابراین برای انتخاب نمونه ها جهت گردآوری اطلاعات، از روشهای نمونه گیری هدفمند استفاده شد. داده ها و اطلاعات مبتنی بر تعریف مفهومی و عملیاتی از مولفه های مورد تاکید در چارچوب نظری و فرضیه پژوهش جمع آوری شده است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: مولفه های مورد استفاده برای اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران

شاخص	گویه ها	منابع
مشروعیت	میزان مشارکت مردم در تصمیم سازی، میزان مشارکت مردم در تصمیم گیری، میزان مشارکت در سرمایه گذاری های اقتصادی، مشارکت در تقویت و عضویت نهادهای مدنی - حمایت از تشکل های غیر دولتی وانجمن های مدنی - وجود ساز و کار لازم برای مداخله جوامع محلی در تهیه و اجرای طرح ها، مشارکت در فعالیت های بدون دستمزد (مشارکت فکری و...)، نگرش و باور به جمع و کار جمعی - میزان رابطه بین مسئولین و مردم - نحوه و میزان رابطه و تعامل بین سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی - توافق جمعی در خصوص مشکلات (اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی) - وجود هماهنگی بین سازمانهای رسمی و غیر رسمی - وجود تفاهم بین سازمانهای دولتی و غیر دولتی مجری، شیوه های حل اختلاف نظر بین مردم و مسئولین، میزان رضایتمندی مردم یا مسئولین از منافع جمعی	سلیمانی وهمکاران، ۱۳۹۳ موحد وهمکاران، ۱۳۹۲ رحمانی فضلی وهمکاران، ۱۳۹۴ افتخاری وهمکاران، ۱۳۹۰ صفایی پور وهمکاران، ۱۳۹۲ Michael Johnston, ۲۰۰
ایفای نقش	بهبود مستمر اقدامات و فعالیت ها - نهادینه کردن فرهنگ توانمندی، تعاملی - افزایش مستمر کیفیت برنامه ها و گذاری امور به بخش خصوصی و یا NGOها - رضایت روستائیان از تنوع خدمات ارائه شده، میزان افزایش کیفیت مهارت ها در مواقع بحران، میزان بهبود فرآیند برنامه ریزی و تصمیم گیری، میزان بهبود شیوه و سبک مدیریت بحران، میزان رضایتمندی روستائیان از خدمات ارائه شده توسط مسئولان، میزان آگاهی سازی، میزان عدم عدول از اختیارات تفویض شده، میزان شایسته سالاری، میزان توانمندسازی مردم روستایی، میزان رضایت مندی مردم از مسئولیت پذیری، مسئولیت پذیری در برابر مشکلات ایجاد شده، وظایف محوله - اعتراف به خطا و اشتباهات مدیریتی - احساس مسئولیت در قبال محیط زیست	سلیمانی وهمکاران، ۱۳۹۳ موحد وهمکاران، ۱۳۹۲ رحمانی فضلی وهمکاران، ۱۳۹۴ صفایی پور و همکاران (۱۳۹۲) Michael Johnston, ۲۰۰
عدالت	میزان احترام به حقوق افراد، میزان بی طرفی و برابری در برابر قانون، میزان احترام به حقوق جمعی، میزان احترام به حقوق محیط زندگی، میزان قانون محوری روستائیان، احترام مسئولین به قانون و رعایت آن - میزان آگاهی از قانون و عرف محل - پای بندی به قانون جهت حفظ ارزش های زیست محیطی، میزان تجهیز منابع، توجه به گروههای محروم - رعایت اصل توازن و تعادل (ابعاد اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و ...) - برابری فرصت ها، تخصیص بهینه منابع و امکانات برای روستاها - رعایت عدالت در زمینه اجرای طرح ها	سلیمانی وهمکاران، ۱۳۹۳ رحمانی فضلی وهمکاران، ۱۳۹۴ شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۲ Michael Johnston, ۲۰۰
پاسخگویی	میزان تعهدپذیری مدیران بحران، میزان باورپذیری ذی نفعان برای پاسخگو بودن، میزان رضایتمندی از پاسخگو بودن مدیران و مسئولان، میزان سازماندهی شیوه های اجرای پاسخگویی، پاسخ گویی در برابر مشکلات زیست محیطی - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با مقامات محلی - باور پذیری به پاسخگویی در فرایند مدیریت، میزان کنترل و پایش عملکرد مدیران روستا، میزان تصمیم گیری های آشکار و نهان مدیریت بحران، میزان اطلاع یابی برای شفافیت تصمیم ها، میزان رعایت اصول اخلاقی و صداقت در دادن اطلاعات، قابلیت دسترسی به جریان آزاد اطلاعات قابل اعتماد - مستند سازی اطلاعات - برگزاری جلسات با مردم - شفاف بودن مسئولیت ها، نظارت ها و قراردادهای	سلیمانی وهمکاران، ۱۳۹۳ موحد وهمکاران، ۱۳۹۲ ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۲ صفایی پور وهمکاران، ۱۳۹۲ افتخاری وهمکاران، ۱۳۹۰ شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۲ John Graham, 2003 Michael Johnston, ۲۰۰
جهت گیری	برنامه ها و طرح های کوتاه مدت و بلند مدت بحران - پیگیری برنامه های بلند مدت توسط دستگاههای مجری.	John Graham, 2003

گردآوری داده ها بر مبنای دو روش اسنادی و میدانی صورت گرفته است. در روش میدانی از فن پرسشگری و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. از بین روش های متعددی که برای تعیین روایی ابزار پرسشنامه مورد استفاده قرار می گیرد، در پژوهش حاضر از روش منطقی که خود بر دو روش صوری و محتوایی است، استفاده بعمل آمده است. پرسشنامه پژوهش

حاضر به ظاهری و کمیت و کیفیت سوالات مورد بررسی پس از بومی سازی آنها، توسط خبرگان دانشگاهی (اساتید گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی) مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده است. همچنین برای سنجش سطح پایایی پرسشنامه به کمک نرم افزار SPSS از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. از آنجایی که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۹ بزرگتر از ۰/۷ بدست آمده است، پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

در تجزیه و تحلیل اطلاعات بسته به نوع آنها به منظور سنجش اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران مبتنی بر مولفه های حکمروایی از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده به عمل آمده است. جهت این امر در ابتدا جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده به عمل آمده است. آنگاه برای بررسی ارتباط بین اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران و دگرگونی نامناسب فضاهای روستایی از ضریب رگرسیون چندگانه استفاده به عمل آمده است. چرا که گاهی دو یا چند متغیر تأثیر عمده ای بر روی متغیر وابسته دارند. در این وضعیت استفاده از رگرسیون چندگانه بهترین گزینه بشمار می رود. یکی از مواردی که در رگرسیون مدنظر قرار می گیرد، استقلال خطها از یکدیگر است، به منظور بررسی این امر از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است. در ادامه جهت بررسی تأثیر اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران در دگرگونی فضایی روستایی از تحلیل مسیر بهره گیری شده است. تحلیل مسیر یکی از روش های آماری است که برای آزمون مدل های علیتی به کار می رود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است. تحلیل مسیر شکلی از تحلیل رگرسیون کاربردی است که در آن از نمودار مسیری استفاده می شود. در واقع تحلیل مسیر مشخص می کند که هر متغیر مستقل تا چه حد بر روی متغیر وابسته به طور مستقیم و غیرمستقیم اثر دارد و با استفاده از این تحلیل می توان (کسانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) میزان اثر مستقیم (همان ضریب تأثیر رگرسیونی هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است) و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را محاسبه نمود.

شرح و تفسیر نتایج

از کل نمونه های مورد مطالعه، کارکنان اداره منابع طبیعی با ۲۶/۸ درصد بیشترین سهم نمونه ها را بخود اختصاص داده است. از جنبه های جنس، سن و میزان تحصیلات به ترتیب مردان با ۷۷/۵ درصد، گروه سنی ۳۵-۴۰ با ۳۳/۸ درصد و کارشناسی ارشد با ۶۲/۰ درصد سهم بالاتری از نمونه ها را به خود اختصاص داده اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: ویژگیهای پرسش شنوندگان جامعه هدف مورد مطالعه

ردیف	سن				جنس		میزان تحصیلات				سازمان				
	۲۰-۳۵	۳۵-۴۰	۴۰-۴۵	۴۵ بالاتر	مذکر	مؤنث	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر	جهاد کشاورزی	مدیریت بحران	منابع طبیعی	محیط زیست	آب منطقه تی	ستاد احیا
فراوانی	۱۶	۲۴	۲۰	۱۰	۵۵	۱۵	۱۸	۴۴	۸	۱۲	۸	۱۹	۱۱	۵	۵
درصد	۲۲/۵	۳۴/۸	۲۸/۲	۱۴/۱	۷۷/۵	۲۱/۱	۲۵/۴	۶۲/۰	۱۱/۳	۱۶/۹	۱۱/۳	۲۶/۸	۱۵/۵	۷/۰	۷/۰
کل	۷۰				۷۰		۷۰				۷۰				

در پژوهش حاضر قبل از تحلیل عوامل موثر بر اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران، در ابتدا جهت اطمینان از توزیع نرمال داده های تحقیق از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد. در این آزمون اگر سطح معنی داری (sig) بدست آمده بیشتر از ۵ درصد باشد، نرمال بودن توزیع داده ها پذیرفته می شود. بدین ترتیب، مطابق با نتایج بدست آمده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف با سطح معنی داری بیشتر از ۵ درصد، نرمال بودن توزیع داده ها پذیرفته می شود (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: سنجش نرمال بودن توزیع داده ها بر اساس آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (ks)

شاخص ها	ضعف نقش پذیری کارآمد	ضعف عدالت	ضعف جهت گیری مناسب	ضعف پاسخگویی	ضعف مشروعیت
تعداد	۷۰	۷۰	۷۰	۷۰	۷۰
پارامترهای نرمال سازی	میانگین	۲/۴۶	۲/۲۸	۲/۵۸	۲/۲۹
	انحراف استاندارد	۰/۸۶۵	۰/۸۲۱	۰/۶۹۰	۰/۶۶۵
بیشترین تفاوتها	مطلق	۰/۱۰۴	۰/۰۷۶	۰/۱۲۰	۰/۰۹۹
	مثبت	۰/۱۰۴	۰/۰۶۳	۰/۱۰۹	۰/۰۸۲
	منفی	-/۰۶۵	-/۰۷۶	-/۱۲۰	-/۰۹۹
آزمون کلموگروف اسمیرنوف	۰/۸۷۴	۰/۶۳۴	۱/۰۰۱	۰/۸۲۹	۰/۷۵۷
سطح معنی داری	۰/۴۲۹	۰/۸۱۷	۰/۲۶۹	۰/۴۹۹	۰/۶۱۵

برای بررسی اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران، قبل از بکارگیری رگرسیون چندگانه، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده بوسیله معادله رگرسیون) و عدم وجود همبستگی بین آنها با آزمون دوربین - واتسون (d) در جدول شماره ۵ نشان داده است. چنانچه آماره بدست آمده از دوربین واتسون در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ قرار گیرد، عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می شود. از آنجایی که مقدار آماره d (۱/۵۶۷) در فاصله ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد، فرض عدم همبستگی بین خطاها رد نشده و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

جدول شماره ۵: سنجش عدم همبستگی بین خطاها و استفاده از رگرسیون برای تحلیل اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران

آزمون دوربین واتسون	خطای انحراف استاندارد	ضریب تبیین تصحیح شده	ضریب تبیین	R ضریب همبستگی چندگانه
۱/۵۶۷	۰/۵۵۹	۰/۶۲۰	۰/۶۴۸	۰/۸۰۵

همان طور که مورد اشاره قرار گرفت گاهی دو یا چند متغیر تأثیر عمده ای بر روی متغیر وابسته دارند. در این وضعیت از رگرسیون چندگانه جهت پیش بینی متغیر وابسته استفاده می شود. بدین ترتیب تأثیرگذاری متغیرهای ضعف مشروعیت، ضعف پاسخگویی، ضعف جهت گیری مشخص در سیاستگذاری و برنامه ریزی، عدالت محوری و ضعف در نقش پذیری کارآمد بر اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران با رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. در جدول شماره ۵ ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر با ۰/۸۰۵ است. این ضریب معنی داری رابطه بین اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران و ضعف در مولفه های (مشروعیت، پاسخگویی، جهت گیری مشخص، عدالت محوری، نقش پذیری کارآمد) را تأیید کرده و به میزان ۰/۶۴۸ درصد از ضعف در مولفه های پنج گانه را در اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران پیش بینی و تبیین می نماید. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون به منظور بررسی رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، نشان می دهد که سطح معنی داری (sig) کمتر از ۵ درصد بوده و دست کم یکی از متغیرهای مستقل دارای رابطه خطی با متغیر وابسته است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: ارتباط بین اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت و عوامل موثر بر آن

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۳۶/۷۱۸	۵	۷,۳۴۴	۲۳/۵۲۰	/.۰۰۰ ^b
باقی مانده	۱۹/۹۸۲	۶۴	۰/۳۱۲		
کل	۵۶/۷۰۰	۶۹			

در بین مجموعه عوامل موثر اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران - بر اساس مقدار β^1 - مولفه ضعف مشروعیت دارای ارتباط مستقیم بوده و بیشترین تاثیر را بر ناکارآمدی نظام مدیریت بحران در ناحیه مورد مطالعه دارد. البته، در این میان ضعف در نقش پذیری کارآمد نیز دارای اهمیت است. در کنار این عامل، سایر عوامل از اثرگذاری غیرمستقیم برخوردار هستند. در بین این عوامل، ضعف جهت گیری و ضعف عدالت دارای اثرگذاری (غیرمستقیم) بیشتری هستند. این دو عامل، با تاثیر بر عامل مشروعیت سبب شدند تا نظام مدیریت بحران در اجرای کارآمد وظایف خود دچار چالش های اساسی شود.

جدول شماره ۷: میزان اثرگذاری مولفه های نظام مدیریت - مبتنی بر حکمروایی - بر ناکارآمدی نظام مدیریت بحران

متغیرها	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل	ضریب همبستگی (پیرسون)	سطح معنی داری
ضعف مشروعیت	۱/۸۵۸	-	۱/۸۵۸	۰/۷۵۵	۰/۰۰
ضعف در نقش پذیری کارآمد	-۱/۱۳۲	۰/۱۶۴	-۰/۹۶۸	۰/۷۰۴	۰/۰۰
ضعف عدالت محوری	-	۱/۱۷۸	۱/۱۷۸	۰/۷۲۸	۰/۰۰
ضعف پاسخگویی	-	۰/۱۶۸	۰/۱۶۸	۰/۷۷۹	۰/۰۰
ضعف جهت گیری	-	۱/۳۴	۱/۳۴	۰/۶۴۶	۰/۰۰

۱. بر اساس ضرایب استاندارد شده (بدون توجه به علامت آن) نتیجه گیری شده است.

مشروعیت زمانی ایجاد می شود که رابطه درست و منطقی بین مسئولان، مدیران و تصمیم گیرندگان محلی و غیر محلی با روستاییان ایجاد شود. جامعه محلی بعنوان ذینفعان اصلی در ناحیه مورد مطالعه، از آغاز مدیریت بحران بستری برای همکاری و تعامل شان فراهم نشد. تمرکز گرایی و ساختار تصمیم گیری بالا به پایین سبب شد تا جامعه محلی به اطلاعات و تصمیمات اتخاذ شده، دسترسی پیدا نکنند. این پنهان کاری نه تنها نارضایتی را افزایش داد بلکه نظام تصمیم گیری را در اجرای تصمیم ها دچار مسایل اساسی نمود که پیامدهای آن نهایتاً به ضرر جامعه روستایی شد. در این زمینه دو مصداق وجود دارد که به تفسیر آنها پرداخته می شود:

الف) طرح قرقداری

طرح قرقداری که ارتباط نزدیکی با نظام فعالیت جامعه محلی داشت، بدون درک و فهم درست از واقعیت های اجتماعی - اقتصادی آنها تصویب و به مرحله اجرا رسید. وابستگی بخش قابل ملاحظه ای از بهره برداران روستایی به فعالیت دامداری و دامپروری و درآمد حاصل از آن از جمله این واقعیت ها بود که مورد بی توجهی قرار گرفت. روستاییان با توجه به پایین بودن سطح ریسک پذیری شان، اساساً در مقابل عوامل بیرونی که نظام فعالیت آنها را در تاثیر قرار دهند، کنش گسسته (تعارض و ستیز) نشان می دهند. بطوریکه، در مقابله با تصمیم اتخاذ شده، بر می آیند. این شرایط در ناحیه سبب شد تا بهره برداران روستایی، پروژه قرقداری را در تضاد با منافع خود ببینند و هیچ مشارکتی با پروژه نکنند. با کاهش مراتع^۱ در تامین علوفه مورد نیاز دام ها، روستاییان با مشکل مواجه شدند. بنابراین چاره ای جز فروش دام هایشان نداشتند. فروش دام یعنی از دست دادن شغل و درآمد. با از دست دادن امکانات شغلی، روستاییان برای کسب معیشت راهی شهرها شده، زمینه تخلیه روستاها را فراهم کردند.

ب) طرح ممنوعیت حفر چاه

این طرح، علیرغم هشدارها و نظارت سازمانهای متولی چندان موفق نبود. در این زمینه جامعه محلی علیرغم آگاهی از تبعات مثبت این طرح، به حفر چاه مبادرت ورزیدند. این در حالی است که، مشارکت جویی روستاییان با بسترسازی نظام مدیریت می توانست با افزایش سطح آگاهی از طریق آموزش و ترویج و تشکل سازی افزایش یافته، زمینه را برای مشروعیت نظام مدیریت از نگاه جامعه محلی فراهم نماید. رفاه و بهبودی یک جامعه، به تضمین این امر بستگی دارد که همه اعضای آن احساس کنند که سهم و نقشی در آن داشته باشند و خود را از جریان اصلی جامعه مستثنی تصور نکنند. این حالت مستلزم آن است که همه گروهها، برای بهبود و رفاه خود، فرصت داشته باشند.

در نهایت نتایج تحلیل مسیر که در ۵ مرحله انجام گرفت در قالب مدل تجربی نشان داده شده است (شکل شماره ۲). در واقع در این مدل به منظور تلفیق نتایج وساده تر شدن تفسیر نمودار مسیر، تاثیر ۵ متغیر مستقل تاثیر گذار بر متغیر وابسته اثر بخشی مدیریت بحران را به سه صورت نشان دادیم.

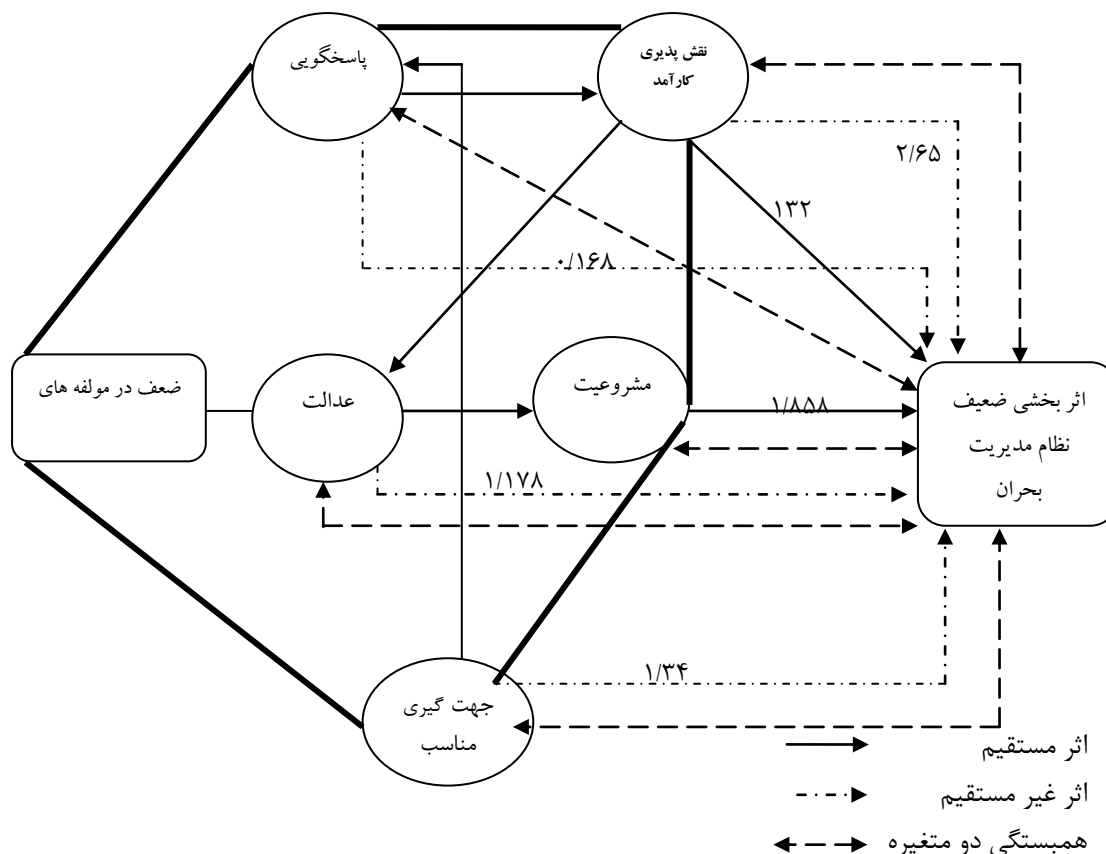
۱- متغیرهایی که صرفاً به صورت مستقیم بر متغیر وابسته اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران تاثیر گذاشته اند.

۲- متغیرهایی که صرفاً به صورت غیر مستقیم بر متغیر وابسته اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران تاثیر گذاشته اند.

۱. کاهش مراتع در منطقه به دنبال طرح واگذاری اراضی با هدف اشتغال زایی وهم چنین طرح قرق برای حفاظت از دریاچه صورت گرفته است.

۳- متغیرهایی که علاوه بر تاثیر مستقیم به صورت غیر مستقیم نیز بر متغیر وابسته اثر بخشی ضعیف نظام مدیریت بحران تاثیر گذاشته اند.

مقادیر تاثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیر های مستقل در جدول شماره ۷ آورده شده است.



شکل شماره ۲: عوامل تأثیرگذار اثر بخشی ضعیف مدیریت بحران در دگرگونی فضایی نامناسب روستایی

ایجاد فرصت های مناسب برای تمامی روستاییان در زمینه ارتقای وضعیت، تلاشی در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت تمام مردم در اعلام نظر و تصمیم گیری، نوعی عدالت محسوب می شود. ضعف عدالت محوری در ناحیه سبب ضعف مشروعیت شده است. در جایی که مردم محلی نادیده گرفته شدند، ضعف شفافیت نیز افزایش یافته است. زیرا، شفافیت به معنای دادن اختیار به روستاییان برای تبدیل شدن به افرادی حسابرس در جامعه محلی و نیز داشتن حق اظهار نظر و دسترسی به اطلاعات آزاد است. این مساله، ارتباط نزدیکی با مقوله پاسخگویی دارد. این مقوله در سطح ناحیه آنقدر مورد کم توجهی قرار گرفته است که سبب تضعیف اعتماد جامعه محلی شده است. ضعف مسئولیت پذیری در رفع تقاضاهای روستاییان و تاکید بیش از اندازه به نظام بورکراتیک، روستاییان را نسبت به نظام مدیریت بحران مایوس نموده است. این مساله، موجب ضعف مشروعیت شده است. این در حالی است که اعتماد اجتماعی، جامعه محلی را به انجام امور داوطلبانه و فعالیت های گروهی و مشارکت کرده، می توانست ضعف مشروعیت را تقلیل دهد.

ضعف در جهت گیری مشخص در حل مساله مبتنی بر برنامه مدون و یکپارچه و حاکمیت نظام بورکراتیک، نقش پذیری کارآمد اجزا ساختاری نظام مدیریت بحران را کاهش داده، سبب شده تا مسئولیت پذیری تحت تاثیر قرار گرفته بستر را برای بی اعتمادی، بی عدالتی و نهایتاً ضعف مشروعیت را فراهم نماید. این در حالی است که در برنامه جامع مدیریت بحران و احیای دریاچه ارومیه بارها از مشارکت جامعه محلی سخن به میان آمده است. اما، جنبه عملی به خود نگرفته است.

نتیجه گیری

ارزشیابی نظام مدیریت بحران خشکیدن دریاچه ارومیه، مبتنی بر چارچوب حکمروایی نشانگر این مساله است که نظام مدیریت از کارآمدی برخوردار نبوده است. این ناکارآمدی اگرچه شدیداً متأثر از عامل ضعف مشروعیت است. ولی، تحت تاثیر غیرمستقیم عوامل دیگر از جمله ضعف جهت گیری، ضعف عدالت و ضعف پاسخگویی است. نکته مهم در این زمینه، اثرگذاری عوامل غیر مستقیم بر عامل مشروعیت است. بدین معنا که، عوامل غیرمستقیم همگی بسترساز ضعف مشروعیت نظام مدیریت شده است. این نظام (با ماهیت بروکراتیک و دیوانسالار) در میان مدت و درازمدت نمی تواند سکونتگاههای روستایی پیرامونی را برای تاثیرپذیری کمتر از مخاطره خشکیدن دریاچه ارومیه مدیریت نماید. این امر به خاطر نگاهی است که مسئولان به مردم دارند. آنها از گذشته های دور به برنامه ریزی با مردم و حتی توسط مردم اعتقاد نداشتند. آنها عقیده دارند که برای مردم باید برنامه ریزی کرد. با این نگاه به جایگاه و نقش مردم، نمی توان آینده روشنی را برای روستاهای شهرستان ارومیه انتظار داشت. دلیل این مدعی، پیامدهای فضایی نامناسبی است که روستاها در حال حاضر با آنها دست به گریبان هستند.

یافته های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات راجرز، تولگهان و جاسیم همسویی دارد. آنها دستیابی به مدیریت کارآمد در بحران را مدیریت مشارکتی می دانند. در این مدیریت مولفه های پاسخگو بودن، عدالت محوری، ایفا کنندگی نقش، مشروعیت و جهت گیری مناسب کلیدی و محوری هستند. بر اساس این مطالعات، معیارهایی چون مشروعیت (مشارکت و اجماع)، پاسخگویی (پاسخگویی و شفافیت)، ایفای نقش (اثر بخشی و کارآیی و احساس مسئولیت در خدمت)، عدالت (تقویت انصاف به ویژه حقوق انسانی، برابری برای بهبود و حفظ خوشبختی و رفاه)، جهت گیری (داشتن چشم انداز راهبردی) از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند.

با توجه به نتایج پژوهش، برای بهبود عملکرد نظام مدیریت بحران، ضروری است پیشنهادات زیر مورد توجه قرار گیرد:

- مشارکت توأمان دولت، مردم و بخش خصوصی در فرایند مدیریت بحران؛
- توسعه ظرفیتی جامعه محلی در ابعاد فردی، اجتماعی و سازمانی؛
- طراحی و اجرای نظام پایش، ارزشیابی و پاسخگویی.

منابع

ابراهیم زاده، عیسی. مرتضی اسدیان. ۱۳۹۲. تحلیل و ارزیابی میزان تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران. *جغرافیا و آمایش شهری*، ۶: ۱۷-۳۰

- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. جلال عظیمی آملی. مهدی پور طاهری. زهرا احمدی پور. ۱۳۹۰. تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران. *پژوهش های روستایی*، ۴: ۱-۳۴
- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. ۱۳۸۶. جایگاه نهادهای مردمی در برنامه سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران. *ماهنامه ترویجی و آموزشی دهیاری ها*. سال چهارم، شماره ۲۱.
- بدری، سیدعلی. ۱۳۸۰. ارزیابی پایداری راهبرد اسکان مجدد روستایی: نمونه موردی مجموعه ادغامی آب بر. *رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورطاهری، مهدی. مجید پریشان. عبدالرضا رکن الدین افتخاری و علی عسگری. ۱۳۹۰. سنجش و ارزیابی مولفه های مبنایی مدیریت ریسک زلزله: مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قزوین. *پژوهش های روستایی*، ۱: ۱۱۵-۱۵۰
- تسلیمی، عباسعلی. ۱۳۹۰. تاملی بر ضرورت های مدیریت بحران و مدیریت کاهش خطر پذیری زلزله. *فصلنامه علمی تخصصی دانش مدیریت بحران*، ۱: ۱۵-۳۸.
- دراپک، ای. توماس. جرال د جی هوآتمر. ۱۳۸۳. *مدیریت بحران. اصول و راهنمای عملی برای دولت های محلی*. انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران. چاپ اول. تهران.
- زینالی، بتول. صیاد اصغری سراسکانرود. ۱۳۹۴. بررسی تغییرات خط ساحلی تراز آب دریاچه ارومیه و تاثیر آن بر شهرهای واقع در حوضه آن. *دوفصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری*، ۶: ۹-۲۰.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا. مظفر صادقی. جهانبخش علیپوریان. ۱۳۹۳. بنیان های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین. *مدیریت شهری*، ۳۷: ۴۳-۵۴
- فیروزنیا، قدیر. عبدالرضا رکن الدین افتخاری و سید علی بدری. ۱۳۸۹. *چشم انداز و نظام مدیریت برنامه ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران: دهستان شیرزر*. شهرستان هرسین. *مجله مخاطرات محیطی*، ۱۳:
- علمداری، شهرام. ۱۳۹۴. *الگوها و دیدگاه ها در مدیریت بحران*. تهران، انتشارات بوستان حمید.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه. ۱۳۹۳. *معرفی ستاد و شرح فعالیت های ستاد احیای دریاچه ارومیه*. قابل دسترس در سایت ستاد به آدرس؛ <http://ulrp.sharif.ir>
- سعیدی، عباس. ۱۳۹۱. پویا سازی ساختاری کارکردی رویکردی بدیل در برنامه ریزی فضایی. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱: ۱-۱۸.
- سلیمانی، سیاوش. حجت باقر نژاد. ۱۳۹۳. بررسی و سنجش میزان اعمال شاخص های حکمروایی خوب شهری در طرح میدان شهداء مشهد. *ششمین کنفرانس برنامه ریزی شهری و مدیریت با تاکید بر عناصر شهر اسلامی*، مشهد.
- شریف زاده، فتاح. رحمت اله قلی پور. ۱۳۸۲. حکمروایی خوب و نقش دولت. *فرهنگ مدیریت*، ۴: ۹۳-۱۰۹
- صفایی پور، مسعود. سعید امان پور. زهرا نادری چگنی. ۱۳۹۲. ارزیابی و تحلیل میزان تحقق پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر خرم آباد. *فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس*، ۱۷: ۱۱۵-۱۳۰
- کسانی، عزیز. محمودرضا گوهری. میر طاهر موسوی. محسن اسدی لاری. مرضیه روحانی رصاف. محسن شجاع. ۱۳۹۱. بررسی مؤلفه های سرمایه اجتماعی ساکنان شهر تهران با استفاده از تحلیل مسیری: طرح سنجش عدالت شهری. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۸، ۲: ۱-۱۲
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. *شناسنامه آبادی های کشور*. شهرستان ارومیه. تهران، مرکز آمار ایران.
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۷. *قانون تشکیل مدیریت بحران کشور*. تهران.

- موحد، علی. موسی کمانرودی. فرزانه ساسان پور. سجاد قاسمی کفرودی. ۱۳۹۴. بررسی حکمروایی خوب شهری در محله های شهری (مورد مطالعه منطقه ۱۹ شهرداری تهران). *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری*، ۷: ۱۴۷-۱۷۶
- Astleithner, Fand A. Hamedinger. ۲۰۰۳. Urban Sustainability as a New form of overnance, *Journal of Innovation*, ۱۶: ۵۱-۷۵.
- Asian Disaster Preparedness Center (ADPC). ۲۰۰۶. community – based disaster risk management for local authorities. participants workbook.
- Barker, D. ۲۰۰۰. Local Governance: a model of sustainable rural resource management for the third world, *Int. J. agriculture resources, governance and ecology*, ۱: ۵۵-۴۳.
- Cuny FC. ۱۹۹۸. Principles of Management: Introduction to Disaster Management, Disaster Management Centre Department of Engineering Professional Development, University of Wisconsin-Madison.
- Falk, K. ۲۰۱۳. Preparing for Disaster: A Community Based Approach. 2nd Rev. Danish Red Cross, Copenhagen.
- Fischer, H.W. ۲۰۰۱. The Deconstruction of the Command and Control Modle: a Post Modern Analysis", Paper Presented at the Annual Meeting of the European Sociological Association, Helsinki.
- Fischer, F. ۲۰۰۶. Participatory Governance as Deliberative Empowerment: The Cultural Politics of Discursive Space. *The American Review of public Administration*. ۳۶: ۱۹-۴۰.
- Graham, John. Bruce Amos, Tim Plumptre (۲۰۰۳), Principles for Good Governance in the ۲۱st Century Policy Brief No. ۱۵
- Government of India. ۲۰۰۲. High Powered Committee on Disaster Management: Report October ۲۰۰۱. Delhi, National Centre for Disaster Management
- Ghafory, M. ۲۰۰۵. Earthquake Risk Management Strategies: Iranian Experience. Tehran, UNESCO off and International Institute of Earthquake Engineering and Seismology (IIEES: ۱-۹).
- Huther, John W. and George B. Shah. ۲۰۰۰. Applying a Simple Measure of Good Governance. *International Journal of Social Economics*, ۲۵.
- International Strategy for Disaster Reduction (ISDR). Extract from the final report of the World Conference on Disaster Reduction. (A/CONF. ۲۰۶/۶). www.unisdr.org/wcdr
- IDNDR. ۱۹۹۴. yokohama strategy and plan of action for a safer world. guidelines for natural disaster prevention, preparedness and mitigation. world conference on natural disaster reduction.
- Johnston, Michael. ۲۰۰۵. Good Governance: rule of law, transparency, and accountability. Department of political Science, colgate university. New York.
- Joachim Ahrens and Patrick M. Rudolph. ۲۰۰۶. The Importance of Governance in Risk Reduction and Disaster Management, *journal of contingencies and crisis management*, ۴: ۲۰۷-۲۲۰
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi. ۲۰۰۷. Growth and Governance: A Reply/Rejoinder. *Journal of Politics*. ۶۹, ۵۵۵-۵۶۲. DOI: ۱۰,۱۱۱۱/j.۱۴۶۸-۲۵۰۸,۲۰۰۷,۰۰۵۵۰.x
- Marsh, G. & P. Buckle. ۱۹۹۹. Community Impact Issue: Group Report on Community Impact Issue Following Possible Major Prolonged Disruption to Utilities or Possible Y 7K Situations, Mimeo.
- Nasaji Zavareh, M. Rasouli, AA. Javan, Kh. ۲۰۱۰. forecasting of monthly water level in Urmia Lake by Artificial Neural Network, the secondary of national congress environmental crisis of Urmia Lakes, Naghadeh Payam Noor University.
- Ostik Miake, R. ۲۰۱۱. forms of community participation in disaster risk management practices Published by Nova Science Publishers. Inc. New York.
- Paul, Venton. ۲۰۰۸. Methods of the sustainability and scale of community based disaster risk management .Cranfield university. England.
- Srinivas, Hari. ۱۹۹۶. Governance: A Working Definition. www.soc.Titech.ac.jp.
- Srinivas, Hari. ۱۹۹۶. Governance: A Working Definition, www.soc.Titech.ac.jp
- Tolgahan, Aydin. Hüseyin Özgür. ۲۰۱۶. Natural Disaster Governance: Barriers For Turkey, *European Scientific Journal* April ۲۰۱۶ /SPECIAL/ edition ISSN: ۱۸۵۷ – ۷۸۸۱ (Print) e - ISSN ۱۸۵۷- ۷۴۳۱

UNCHS (Habitat). ۲۰۰۰. The Global Campaign for Good Urban Governance (Concept paper). Nairobi: UNCHS (Habitat).

UN ESCAP, what is Good Governance. ۲۰۰۲. online at <http://www.unscap.org/huset/gg/gosermace.htm>

Wisner, Ben . Peter Walker. ۲۰۰۵. Beyond Kobe: A Proactive Look at the World Conference on Disaster Reduction, ۱۸-۲۲ January, Commissioned by the Swiss Corporation for Development, Kobe, Japan.

پرسشنامه

با سلام

پاسخ دهنده گرامی

پرسشنامه ای که پیش رو دارید، مطالعات میدانی رساله ای تحت عنوان « نقش مدیریت بحران در دگرگونی فضایی روستاهای حاشیه دریاچه ارومیه (مورد روستاهای شهرستان ارومیه) » می باشد که توسط اینجانب در حال تهیه است خواهشمند است با همکاری و پاسخ های مناسب محقق را در پربار تر نمودن این رساله یاری نمایید.

مشخصات عمومی پاسخ دهنده:			
سن:	۳۵-۳۰	۴۰-۳۵	۴۵-۴۰
جنس:	میزان تحصیلات:	شغل:	ارگان:
	۵۰-۴۵		

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	مردم تا چه اندازه در فرایند تصمیم سازی مشارکت داده می شوند.					
۲	با توجه به سطح مشارکت، از دیدگاههای مردم در تصمیم گیری برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه استفاده می شود.					
۳	اقدامات لازم برای مشارکت مردم در نهادها و دستگاههای اجرایی برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه صورت می گیرد.					
۴	در تهیه طرح های توسعه روستاها در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه سعی می شود حتما از دیدگاه مردم محلی استفاده شود.					
۵	از ایجاد تشکل های غیر دولتی در روستاها برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه حمایت می شود.					
۶	مردم محلی با ماموران دولتی برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه همکاری لازم را دارند.					
۷	خودباری مردم روستاها در اجرای طرح ها برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه بالاست.					
۸	زمانی که از مردم روستا خواسته می شود برای گوش دادن به سخنان مسئولین برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه تجمع کنند همکاری می کنند.					
۹	روستاییان رضایت کافی از اقدامات ماموران دولتی برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه را دارند.					
۱۰	روستاییان خدمات ارائه شده برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه را کافی می دانند.					
۱۱	برای بهبود فعالیت ها و اقدامات دولتی که مواجهه با بحران دریاچه ارومیه و ارائه خدمات مرتبط صورت گرفته است ارزیابی لازم صورت می گیرد .					
۱۲	برای بهبود کیفیت برنامه ها برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه سعی می شود بخشی از امور به سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای مردمی واگذار شود .					
۱۳	برای بهبود شیوه مدیریت برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه به طور مستقیم تجارب بین المللی، ملی و محلی استفاده می شود.					
۱۴	دوره های مهارت آموزی ماموران دولتی برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه به طور مستمر برگزار می شود.					
۱۵	برای رویارویی بهتر با بحران دریاچه ارومیه سعی می شود کیفیت دوره های مهارتی افزایش یابد.					
۱۶	احترام کامل به نظر روستاییان به عنوان ذی نفعان اصلی در اجرای طرح ها برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه وجود دارد.					

				در اجرای طرح های دولتی (اعطای وام به روستاییان) تفاوتی بین روستاییان برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه قایل نیستند .	۱۷
				حفظ حقوق روستاییان در اولویت اول اجرای طرحها در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه قرار دارد.	۱۸
				طرح های مصوب به طور کامل در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه اجرا می شود.	۱۹
				درواگذاری امکانات بین روستاییان در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه تفاوتی دیده نمی شود.	۲۰
				در اجرای طرح ها در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه سعی می شود آسیبی به محیط زیست روستا ها و دریاچه وارد نشود.	۲۱
				مسئولین به سوالات روستاییان در مورد طرحها در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه پاسخ قانع کننده ای دارند.	۲۲
				جلسات پرسش وپاسخ با مردم روستا در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه برگزار می شود.	۲۳
				مردم از عملکرد مسئولین در مورد پاسخگویی به سوالاتشان در ارتباط با بحران دریاچه ارومیه رضایت کامل دارند.	۲۴
				در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه ، به گروههای محروم روستا از جمله زنان سرپرست خانوار، افراد بیمار و... توجه لازم می شود.	۲۵
				امکانات لازم برای رسیدگی به مشکلات روستاها متأثر از بحران دریاچه ارومیه وجود دارد.	۲۶
				وجود افراد با نفوذ در روستا ها تاثیری در واگذاری امکانات به آن روستا برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه ندارد.	۲۷
				در اجرای طرح ها در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه تلاش شده است تا به مسایل (زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی) بصورت توامان توجه شود.	۲۸
				به طور مستمر فرآیند آگاه سازی مردم م روستا از طرح های پیشنهادی برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه صورت می گیرد.	۲۹
				مسئولین در قبال مشکلات زیست محیطی حاصل از خشک شدن دریاچه ارومیه اقدامات اجرایی مرتبط احساس مسئولیت می کنند.	۳۰
				مسئولین وظایف خود را در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه با احساس مسئولیت بیشتری انجام می دهند.	۳۱
				اعتقاد به فعالیت های جمعی در بین مسئولین برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه بالاست.	۳۲
				مسئولین با نهادهای غیر دولتی و مردم برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه رابطه صمیمانه ای دارند .	۳۳
				در زمان مواجهه با بحران دریاچه ارومیه نهادهای سه گانه ی دولتی، غیر دولتی و مردم با یکدیگر اجماع فکری دارند.	۳۴
				نهادهای متولی مدیریت بحران اجماع و همکاری لازم را در انجام وظایف محوله برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه دارند.	۳۵
				مردم و مسئولین از مزایای منافع کار جمعی اطلاعات کافی دارند و سعی می کنند آن را در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه بکار ببندند.	۳۶
				مسئولین برنامه های دور اندیشانه ای (طرحهای بلند مدت) در زمینه مدیریت بحران دریاچه ارومیه دارند و آن را اجرا می کنند.	۳۷
				از طرح های راهبردی برای مدیریت بحران دریاچه ارومیه حمایت می شود.	۳۸
				طرح های تصویب شده برای مواجهه با بحران دریاچه ارومیه بطور مستمر دنبال می شود.	۳۹
				مسئولین هدف از اجرای طرح ها را با مردم در میان می گذارند.	۴۰
				مسئولین در انجام وظایف خود صداقت لازم را دارند.	۴۱
				عملکرد مدیران مسئول در اجرای طرحها(دولتی، غیر دولتی و مردمی) مورد کنترل و پایش قرار می گیرد.	۴۲
				مسئولین عملکرد اقدامات انجام یافته در مواجهه با بحران دریاچه ارومیه را بطور مستمر به اطلاع ذی نفعان می رسانند.	۴۳
				مردم محلی به راحتی می توانند به اطلاعات لازم در خصوص اقدامات انجام گرفته و اقداماتی که خودشان باید انجام دهند دسترسی دارند.	۴۴